غیرت دینی، ملی و انقلابی از ملزومات «جهاد تبیین» برای پیشرفت کشور

حجت‌الاسلام ابوالقاسم علیزاده

روحیه و اخلاق جهادی و انقلابی همراه با احساس مسئولیت و حریت و منطق و تفکر بسیجی به واقع ترجمان روشنی از غیرت انقلابی است که تجسم عینی آن را در سیرت و زندگی مرد میدان‌های سخت، حاج قاسم سلیمانی و البته سلیمانی‌ها مشاهده کرده و اکنون هم می‌بینیم.

غیرت به معنای نوعی رشک و حسادت مردانه و یا خود حسادتی نسبت به داشته‌های فردی و یا جامعه خویش است، نقطه مقابل آن همان حسادت مرموز و مذموم نسبت به آنچه دیگران از فضل و کرم الهی و از راه درست و حلال به دست آورده‌اند، می‌باشد. آنجا که دیگران از نعمت و یا ثمره تلاششان چیزی تحصیل نموده‌اند، نباید نسبت به آن عکس‌العمل و یا طمع و حرص و ولعی داشت و دچار بدبینی و تلخ‌نگری شد و یا طبق فرمایش نبی مکرم اسلام صلی‌الله علیه و آله چشم به دنبال آن داشت. اما وقتی آدمی چه به لحاظ فردی و یا اجتماعی دارای سرمایه‌ای پاک و یا موقعیتی حلال و تمیز باشد باید نسبت به آن حساس و تعصب داشته باشد. چه آنکه صیانت و محافظت از آن نیز یک وظیفه عرفی و شرعی و الهی است. و لذا غیرت را نوعی حساسیت و تعصب به داشته‌ها و سرمایه‌های خدادادی تعریف نموده‌اند. بنابراین تلاش توام با تعصب و حساسیت در نگهداری آنچه حفظش برای آدمی و یا یک جامعه ضروری و لازم است غیرت معنی می‌شود که البته سرچشمه آن نیز اکسیر شجاعت و بزرگ‌منشی و قوت نفس است که در یک کلمه به مردانگی از آن یاد می‌شود.

غیرت به واقع از ملکات نفسانی و کمالات و حالات درونی انسان است که سبب مردانگی می‌شود. از این روی مرد بی‌غیرت از زمره مردان خارج است.

امام علی علیه‌السلام در این رابطه می‌فرمایند: ان‌الله یغار المومن فلیغر، من لایغار فانه منکوس القلب؛ همانا خداوند نسبت به مومن غیرت می‌ورزد... کسی که اهل غیرت نباشد قلبش وارونه است یعنی از حالت طبیعی انسان خارج می‌شود.

جالب اینکه بدانیم فلسفه محرمات و حدود و تنبیهات الهی تقویت همین حالت غیرت و حساسیت و تقید به احکام شرع مقدس است، چه آنکه طبق فرمایش امام صادق علیه‌السلام: «ان‌الله غیور، یحب کل غیور» خداوند چون بندگانش را دوست می‌دارد و می‌خواهد مصون از پلشتی‌ها و در مسیر رشد و کمال و سعادت قرار داشته باشند نسبت به آنها با حساسیت هشدارها و اعلان خطرها و تذکرات و دستورالعمل‌هایی دارد، و الا طبق فرمایش مولای متقیان علی علیه‌السلام در مقدمه خطبه همام (خطبه صفات متقین): خداوند درحالی مخلوقات از جمله انسان را آفرید که هیچ نیازی به طاعت و عبادت او نداشت و از هرگونه تخلف و نافرمانی او نیز در امن و امان بود، یعنی اگر طاعت و عبادت سودی دارد متوجه خود آدمی است و اگر نافرمانی و معصیت نیز زیانی به دنبال دارد بازهم متوجه خود انسان است. مهم شناخت درست مسیر بندگی است که باعث آرامش و عاقبت‌بخیری انسان‌ها می‌گردد.

غیرت دینی

متاسفانه گاهی مفهوم واژه‌ها را آنگونه‌ای که هست نمی‌بینیم و آن‌قدر سطحی و دم دستی به آنها نگاه می‌کنیم که دیگر از خاصیت اصلیش خارج می‌شود، ازجمله این واژه‌ها همین کلمه غیرت است که هرگاه گفته و شنیده می‌شود بلافاصله غیرت ناموسی تداعی به ذهن می‌گردد در حالی که مفهوم و دایره مصادیق این واژه بسیار گسترده‌تر از این بخش است که البته در جای خود این بخش هم بسیار مهم است که اشارتی در ادامه به آن خواهیم داشت. خدای متعال در آیه ۷۵ نساء با بیانی عتاب‌گونه می‌فرمایند: و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل‌الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان... اوج غیرت دینی جهاد و قتال در راه خدا و در جهت استیفای حق مستضعفین از آحاد مردم اعم از زن و مرد و کوچک و بزرگ است. بنابراین نه تنها باید حساس بود و تعصب داشت بلکه تا سرحد قتال و جنگیدن باید به دین و ارزش‌ها و آرمان‌های آن وفادار و پایبند بود. اسلام و شریعت نبوی، دین و آئین حق است و مومنان روی زمین افتخار دارند که تابع و معتقد به دینی هستند که کمال یافته ادیان آسمانی و کتابی را راهنما و نقشه راه زندگی خود قرار داده‌اند که جامع‌ترین و پویا و جاودانه‌ترین کتاب‌های آسمانی است و البته یک مسلمان واقعی کسی است که به تمام دستورات و فرامین حیات‌بخش و سعادت‌آفرین دین و قرآن، هم ایمان و باور داشته باشد و خالصانه به تمام ابعاد و دستوراتش عمل نماید. این ایمان و عمل است که خمیرمایه اصلی غیرت دینی است. یعنی پای فشردن گفتاری و عملی قاطع نسبت به دستورات الهی که از طریق شریعت و کتاب به ما رسیده است.

چگونه جبهه باطل روی باطل بودن خود اصرار می‌ورزد. حال انتظار می‌رود یک مسلمان غیور روی دین حق خویش تا مرز فدا شدن پیش برود که البته مومنان واقعی این‌گونه بوده و هستند، نمونه این ادعا را در جلوه‌های فراوانی از رشادت‌ها و جانفشانی شهدای عزیزمان شاهد بوده و هستیم.

غیرت ناموسی

مراد از ناموس می‌تواند در محدوده روابط خانواده و عشیره و فامیل و در نهایت معطوف به زنان وابسته به آنان باشد و می‌تواند وسیعتر، به شرافت و کرامت و فرهنگ و حیثیت و آبروی و عفت و حجاب و شئون اجتماعی و... یک جامعه معطوف گردد، غیرت در این محدوده‌ها نیز با نگاه ژرف و دقیق به همان تعبیر جامع قرآنی بر می‌گردد که فرمود: «الرجال قوامون علی النساء» مراد از قوامون بودن مردان برای زنان طبق آنچه در تفاسیر آمده است سه نکته اساسی است:

۱- تکیه‌گاه مطمئن و مستحکم.
۲- منشاء امنیت و آرامش و آسایش.
۳- مدیریت کلان و سخت‌افزاری و پشتیبانی در تامین نیازها و ضرورت‌های زندگی.

بنابراین مفهوم غیرت ناموسی نوعی شرف و مردانگی است که به منزله تکیه‌گاه و سایه‌ای مطمئن و امنیت‌ساز برای محارم از زنان به‌معنای خاص در چهارچوب زندگی شخصی و خانوادگی و حفاظت از امنیت اخلاقی و متانت و حیا و پاکدامنی زنان جامعه در مقیاس عمومی و ملی، مطرح می‌باشد.

جالب است بدانیم آنچه تحقیقات و البته تجربه میدانی نشان می‌دهد گواه این معناست که به لحاظ خلقت و آفرینش الهی، جنس زن را خداوند به‌گونه‌ای قرار داده است که نیاز طبیعی او به غیرت مردان با این تعریفی که از غیرت ناموسی بیان داشتیم یک واقعیتی است که هر زن سالم به لحاظ روحی و عاطفی در عمق ذات و وجدان خویش، عاشق غیرت مردان و مرد غیور است. زیرا با پذیرش سایه ولایت و سرپرستی چنین مردان مردی است که زن چه در محیط خانه و چه محله و جامعه، احساس امنیت و آرامش می‌کند و حتی در غیاب مرد خانه‌اش آرام و قرار دارد. معمولا زنانی در جامعه از استرس و ناآرامی‌های روحی رنج می‌برند که اساسا از داشتن چنین تکیه‌گاهی محروم هستند.

البته در کنار غیرت مردان همواره باید حیا و شرم زنان نیز مورد توجه باشد، چه آنکه ممکن است به همان میزان که بی‌غیرتی مردان زمینه بی‌حیایی و پرده‌دری را برای زنان دامن می‌زند، متقابلا نیز بی‌حیایی بانوان هم باعث شکسته شدن دیوار غیرت مردان گردد، به واقع این جاده‌ایست دوطرفه که در رفت و برگشتی منطقی روی یکدیگر می‌توانند اثر بگذارند. از این روی هم مردان و هم بانوان جامعه باید از نوعی حساسیت و تعصب نسبت به غیرت و حیا برخوردار باشند تا در نتیجه پاکی و آرامش در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی را بتوان بخوبی تجربه کرد و لذت برد.

غیرت ملی

نوع‌دوستی، وطن‌دوستی، احساس مسئولیت اجتماعی، دفاع از میهن و تمامیت ارضی کشور و موضوعاتی از این دست را، نتائج و آثار غیرت ملی می‌توان برشمرد. به‌واقع حساس بودن روی داشته‌های فرهنگی و آداب و رسوم و ذخائر و سرمایه‌ها و ثروت مادی و معنوی در مقیاس ملی و جامعه، که باعث جلوگیری از طمع دشمنان و بیگانگان می‌گردد. در برخی روایات اینگونه آمده است که: «حب‌الوطن من الایمان» که ناظر بر همان جوهره غیرت ملی است.

میراث پیشینیان به‌ویژه شهدای گرانسنگ و تاریخ تمدنی و پرافتخار ایران اسلامی پراست از جلوه‌ها و چهره‌ها و آثار ماندگاری که هریک بسان ستاره‌ای در آسمان میهن اسلامیمان ایران می‌درخشند که باید نسبت به حفظ و پاسداشت آنها در سطح ملی، غیرت و تعصب نشان داد تا برای آیندگان نیز به‌عنوان پشتوانه‌ای عظیم و الهام‌بخش باقی بماند. و اما با نگاه به امروز جامعه چه بسیار زنان و بانوانی را می‌بینیم که به برکت غیرت عمومی ملت ایران با همتی بلند در عرصه‌های مختلف حتی با پوشش وحجاب اسلامی و متانت و وقار و عفتی مثال‌زدنی، در عرصه‌های گوناگون ملی و بلکه بین‌المللی نقش کلیدی و پرافتخار را ایفا می‌نمایند، افسوس که این دست چهره‌ها کم‌تر دیده می‌شوند، زیرا نه خودشان طالب دیده شدن هستند و نه متاسفانه فرهنگ بیمار حاکم بر فضای مجازی و رسانه‌ای بدنبال بلد کردن این چهره‌ها هستند. این می‌شود که چند سلبریتی قهر کرده با فرهنگ دینی و غیرت و حیای ملی و اسلامی و دینی و انقلابی با بی‌فرهنگی تمام با جلوه‌گری، تمامیت هنر و فرهنگ را به سخره گرفته و خود را نمایندگان افکار عمومی ملت ایران فرض می‌نمایند.

یکی از این چهره‌های موفق و ماندگار که باید هزاران بار به او دست مریزاد گفت و بحق او و امثال او را در تمامی رسانه‌ها معرفی کرد سرکار خانم دکتر گرانپایه، جراح و استاد دانشگاه می‌باشد، او که تنها در یک قلم از افتخاراتش (۵۴ هزار ویزیت و ۱۵۰۰ جراحی رایگان در مناطق محروم کشور که برنده جایزه گوهرشاد شد) می‌باشد.

آنچه در تقابل با غیرت ملی متاسفانه این روزها جلوه یافته است و ذهن به‌ویژه برخی جوانان عزیز را مشوش ساخته است این است که چنین خانمی هرگز دیده نمی‌شود و بلکه بایکوت خبری و رسانه‌ای می‌گردد زیرا غیرتی در رسانه برای شکار چنین سوژه‌ها و معرفی آنان نیست و لذا اگر خانمی بعضا مواجب‌بگیر عناصر وابسته به بیگانگان، روسری خود را سرچوب کرده و یا پزشک بهائی بود و یا ملت خود را رها کرده و رفته بود اون‌ور آب و در تقابل ملت کشف حجاب کرده بود حتی در صف جایزه بگیرهای جایزه به انحراف رفته به اصطلاح صلح نوبل قرار می‌گرفت و از بی‌بی‌سی گرفته تا همه رسانه‌های مزدور به آن می‌پرداختند. و این یعنی نقطه مقابل غیرت ملی و بی‌فرهنگی مدرن امروزی که متاسفانه برخی از سر جهل و شاید لجبازی و عناد بدنبال آن بوده و هستند.

غیرت انقلابی

روحیه و اخلاق جهادی و انقلابی همراه با احساس مسئولیت و حریت و منطق و تفکر بسیجی به واقع ترجمان روشنی از غیرت انقلابی است که تجسم عینی آن را در سیرت و زندگی مرد میدان‌های سخت، حاج قاسم سلیمانی و البته سلیمانی‌ها مشاهده کرده و اکنون هم می‌بینیم. اگر نمونه‌ای کامل در باب تفسیر غیرت انقلابی به صورتی ملموس و قابل فهم، امروزه بخواهیم تابلو کنیم و به دنیا معرفی نمائیم بحق اون نمونه سردار دلها حاج قاسم سلیمانی است که ای کاش این دلاور غیور به‌عنوان سمبلی برای قهرمان ملت‌های آزاده جهان شناخته بشود و با نشر مکتب و راه او مسیر غیرت انقلابی در مقیاس جهانی هموارتر گردد. چه بسیارند ملت‌های تحت ظلم و ستم و مستضعف و پا برهنه جهان که عاشق مکتب و مشرب سلیمانیند و گویا گم شده خود را در صلابت و شجاعت و پاکی و معنویت سلیمانی یافته‌اند و نجات خویش و بلکه جامعه بشری را از یوغ استکبار و پلشتی‌های نظام سلطه در گرو مکتب او می‌دانند.

و اما با نیم نگاهی به داخل و رصد جبهه نفاق و فتنه که هر روز به دنبال تشدید شکاف بین مردم و نیز دمیدن بر شیپور تحریک مردم در جهت بی‌اعتمادسازی نسبت به نظام و رهبری حکیم و دلسوز و پرتلاش انقلاب اسلامی هستند، باید مرز غیرت و بی‌غیرتی را شفاف‌تر تبیین نمود که به عقیده نگارنده این سطور، یکی از خاکریزهای اصلی در جهاد تبیین باید همین امر مهم باشد. چه آنکه اگر برای نسل جدید سره از ناسره تشخیص داده نشود ممکن است نفوذی‌ها و فتنه‌گران بی‌سر و پای مزدور اجانب، از سربی‌غیرتی نسبت به انقلابی که آوازه بین‌المللی یافته و تاکنون نفس استکبار و یزیدیان زمان را بشماره‌انداخته است و می‌رود تا بفضل الهی بارقه امیدی در دل ملت‌های آزاده و مظلوم جهان بوجود آورده و بستر جهان اسلام بلکه تمامی دنیا را از لوث وجود خونخواران و حامیان تروریسم و تشنگان قدرت و ثروت جهانی بیرون آورند، ممکن است چالش‌های مرموزی سر درآورده و کار دست همگان بدهد و در نتیجه ضمن تحمیل خسارت‌هایی، جریان امیدبخش و انقلابی خدمت به ملت و کشور را کند و تضعیف نمایند.

چگونه جبهه باطل روی باطل بودن خود اصرار می‌ورزد. حال انتظار می‌رود یک مسلمان غیور روی دین حق خویش تا مرز فدا شدن پیش برود که البته مومنان واقعی اینگونه بوده و هستند، نمونه این ادعا را در جلوه‌های فراوانی از رشادت‌ها و جانفشانی شهدای عزیزمان شاهد بوده و هستیم.

امیدواریم این راه نجات امت با غیرتی انقلابی به پیش برود و با وحدت و انسجام مردم شریف ایران و همه ملت‌های مظلوم در سراسر گیتی، به زودی شاهد آثار خون شهیدانی همچون سلیمانی و ابو مهدی المهندس باشیم.

پیامدهای راهبردی آغاز اجرای سند ۲۵ ساله ایران و چین

حمید خوشایند

پویایی و «عملگرایی» در حوزه سیاست خارجی، یکی از نقاط برجسته دولت سیزدهم است. در این زمینه و در مدت کوتاهی که از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد، شاهد اتفاقات مهم در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران هستیم.

شرکت رئیس‌جمهور در اجلاس‌های مهم منطقه‌ای (شانگهای، اکو و غیره)، گفت‌وگوهای سازنده با سران کشورهای مهم جهان، افزایش سطح تعاملات دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای خارجی و توجه ویژه به کشورهای منطقه که به طور خاص در قالب «سیاست همسایگی» و به طور عام در چهارچوب «آسیاگرایی» در حال پیگیری است، مصادیق بارزی است که نشان می‌دهد دولت سیزدهم با اتخاذ یک رویکرد متوازن و با هدف تأمین حداکثری منافع ملی، «عملگرایی نتیجه‌محور» را به صورت جدی در دستور کار قرارداده است.

امروز و برخلاف سال‌های گذشته، برجام دیگر ستون اصلی سیاست خارجی ایران را تشکیل نمی‌دهد. برجام که زمانی مسئله اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی بود، در حال حاضر به عنوان یک موضوع «فرعی» و در کنار موضوعات اصلی، آن هم به شکل متفاوت و با هدف رفع تحریم‌ها پیگیری می‌شود.

برجام به مثابه موضوعی فرعی

امروز و برخلاف سال‌های گذشته، برجام دیگر ستون اصلی سیاست خارجی ایران را تشکیل نمی‌دهد. برجام که زمانی مسئله اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی بود، در حال حاضر به عنوان یک موضوع «فرعی» و در کنار موضوعات اصلی که در بالا به بخشی از آنها اشاره شد، آنهم به شکل متفاوت و با هدف رفع تحریم‌ها پیگیری می‌شود.

اجرایی شدن سند ۲۵ ساله بین ایران و چین که به صورت رسمی از روز جمعه ۲۴ دی ماه و در پی سفر دو روز امیرعبداللهیان وزیر خارجه کشورمان به چین آغاز شد، نه تنها کلیدی‌ترین اقدام دولت سیزدهم بلکه یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های اخیر محسوب می‌شود که مطمئناً پیامدهای راهبردی قابل توجهی به دنبال خواهد داشت که در ادامه به موارد مهمی از آن اشاره می‌شود.

اگر «تأمین منافع ملی» را یکی از اهداف عمده و مرکزی سیاست خارجی هر کشوری قلمداد کنیم، اجرایی شدن سند ۲۵ ساله اقدامی که به خوبی می‌تواند در تحقق این هدف عمل کند. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران حساسیت ویژه‌ای نسبت به استقلال و حاکمیت ملی خود دارد، لذا در تنظیم سند ۲۵ ساله‌ای که با چین امضا شده است، نخستین اصلی که مورد توجه جمهوری اسلامی ایران بوده و در جای‌جای سند لحاظ شده است، «تأمین حداکثری منافع ملی» بدون هرگونه آسیب به استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی است. از این جهت می‌توان سند ۲۵ ساله را به‌عنوان چهارچوبی تعریف کرد که در صورت عملیاتی شدن، خواهد توانست به‌خوبی و به عنوان یک فرصت استثنایی از عهده «تأمین منافع ملی» ایران برآید.

باید توجه داشت که منافع ملی اساساً مقوله‌ای است که در کوتاه‌مدت تأمین نشده و یک‌شبه حاصل نمی‌شود. تأمین منافع ملی به‌صورت «حداکثری» و «بهینه» تنها زمانی صورت می‌گیرد که برنامه‌ریزی‌ها به‌صورت کارشناسی شده و برای بلندمدت تعریف شوند؛ چیزی که در سند ۲۵ ساله دیده‌شده است.

افزایش قدرت چانه‌زنی جمهوری اسلامی ایران

عملیاتی شدن سند ۲۵ ساله که به معنای آغاز رسمی شراکت راهبردی جمهوری اسلامی ایران با چین است، فی‌نفسه امتیاز منحصربفردی به شمار می‌رود که «ارتقاء قدرت چانه‌زنی» جمهوری اسلامی در معادلات بین‌المللی یکی از پیامدهای مهم آن است.

اینکه اجرای سند ۲۵ ساله همزمان با گفت‌وگوهای وین پیرامون رفع تحریم‌ها، آغاز می‌شود، موضوعی است که از طریق افزایش قدرت چانه‌زنی جمهوری اسلامی ایران، مطمئناً آثار و نتایج مثبتی در پیشبرد گفت‌وگوهای وین خواهد داشت و مسیر رفع تحریم‌ها علیه کشورمان را تسهیل خواهد نمود. ضمن اینکه ارتقاء قدرت چانه‌زنی در کاهش فشارهای سیاسی و اقتصادی ایالات متحده و متحدان اروپایی و منطقه‌ای‌اش علیه جمهوری اسلامی نیز کارآمد خواهد بود.

عملیاتی شدن سند ۲۵ ساله که به معنای آغاز رسمی شراکت راهبردی جمهوری اسلامی ایران با چین است، فی‌نفسه امتیاز منحصربفردی به شمار می‌رود که «ارتقاء قدرت چانه‌زنی» جمهوری اسلامی در معادلات بین‌المللی یکی از پیامدهای مهم آن است.

«استفاده از ظرفیت‌ها» و قابلیت‌های اقتصادی، تجاری، نظامی و غیره چین و به عبارتی بهره‌مندی از چین در هر آنچه که غرب (اروپا و آمریکا) به هر دلیلی به ایران نداده و نمی‌دهد، سومین پیامد راهبردی آغاز اجرای سند راهبردی ۲۵ ساله است.

جایگاهی که چین امروز در اقتصاد و تکنولوژی جهان دارد و این کشور را به بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده جهان تبدیل کرده است که در عرصه شاخص‌های اقتصادی در عالی‌ترین سطح بین‌المللی بعد از آمریکا قرار دارد، چیزی نیست که بتوان آن را نادیده و یا دست‌کم گرفت. سرعت رو به رشد چین در عرصه پیشرفت اقتصادی و صنعتی به‌اندازه‌ای است که در کم‌تر از ۲۰ سال آینده به اقتصاد برتر و بزرگ جهان تبدیل خواهد شد.

ارتقاء جایگاه اقتصادی و سیاسی

بنیاد صلح کارنگی در گزارشی پیش‌بینی کرده است، اقتصاد چین تا سال ۲۰۳۵ جای آمریکا را به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان خواهد گرفت واندازه اقتصاد این کشور در آن سال، دو برابراندازه فعلی خواهد شد. طبیعی است شراکت راهبردی با چنین کشوری، قطعاً در ارتقاء جایگاه اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی در سال‌های آینده مؤثر خواهد بود و در پیگیری منافع اقتصادی کشورمان در صحنه مراودات تجارت بین‌الملل را آسان و کم‌هزینه خواهد نمود. به ویژه اینکه جمهوری اسلامی که در یک موقعیت برجسته ژئوپولیتیکی و ژئواستراتیکی قرار دارد با اتصال به یک کمربند، یک راه به منافع کلانی در حوزه اقتصاد و صنعت دست خواهد یافت.

سند ۲۵ ساله ایران و چین به معنای واقعی کلمه یک «بازی برد- برد» محسوب می‌شود؛ برخلاف برجام که به یک بازی برد- باخت تبدیل شد. اینکه برخی‌ها که همیشه نگاه بدبینانه‌ای به تعامل ایران با کشورهای آسیایی به ویژه دو قدرت اصلی آن یعنی روسیه و چین داشته‌اند تلاش می‌کنند سند ۲۵ ساله را تعامل یک‌سویه نشان دهند که فقط برای چین آورده دارد، تلقی درستی از آنچه که هست و در پی خواهد داشت، نیست. همانگونه که اشاره شد سند ۲۵ ساله که اجرای آن از روز جمعه ۲۴ دی آغاز شده است، مبتنی بر «منافع متقابل» است که دو طرف از آن سود خواهند برد. ماهیت و روند سیاستگذاری‌های کلان در چین نشان داده است که این کشور از شراکت راهبردی و همکاری‌های اقتصادی و غیره با کشورهای خارجی به دنبال توسعه‌طلبی سیاسی یا ایدئولوژیکی نیست. برخلاف کشورهای غربی که از مراودات تجاری، نظامی، اقتصادی و سیاسی با ایران از دوران صفویه، قاجار، پهلوی اول و دوم و پس از انقلاب اسلامی، همیشه خواهان ایرانی ضعیف بوده و هیچ گاه به‌طور کامل به تعهدات خود در قبال ایران پایبند نبوده‌اند.

مدعیان اصلاحات و مسئله انکار دشمن

نجمه کفاشیان

نوع تعامل نظام جمهوری اسلامی با جبهه سیاسی مدعی اصلاحات طی چند دهه اخیر از واقعیات سیاسی قابل تامل تاریخ معاصر ایران است. مدعیان اصلاحات مجموعه‌ای هستند که صراحتا مرزبندی شفافی با رویکردهای اساسی انقلاب اسلامی دارند، در ابتدای به دست گرفتن دولت در دهه هفتاد، علنا راهبرد فتح سنگر به سنگر نظام را تئوریزه و برای اجرای آن از انواع روش‌ها استفاده کرده‌اند، تقریبا منبع اصلی تامین نیروی انسانی رسانه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی بوده‌اند و در عین حال، در ساختار نظام هم به طور مداوم حضور داشته و به هنگام پاسخگویی نیز عموما مدعی بی‌اختیاری در انواع حوزه‌های مسئولیتی خود می‌شوند! تعامل با چنین جماعتی، بدون شک از شاهکارهای مجموعه نظام طی دهه‌های اخیر بوده است. ترتیب دادن انواع جنگ روانی علیه افکار عمومی با هدف تحت فشار قرار دادن کلیت نظام، دیگر رویکرد ثابت مدعیان اصلاحات از دهه هفتاد تا همین اکنون بوده است.

مدعیان اصلاحات حتی زمانی که دولت را در دست دارند نیز از اقدام علیه کلیت نظام و جنگ روانی راه‌انداختن در این راستا، رویگردان نیستند. مجموعه این رویکردها باعث شده است تا مرز مشخصی بین جبهه مدعی اصلاحات و دشمنان رسمی و اسمی جمهوری اسلامی وجود نداشته باشد. بر همین اساس، افراد و گروهک‌هایی چون مسعود رجوی، بهایی‌ها، کمونیست‌ها، سلطنت‌طلبان، نهضت آزادی، بی‌بی‌سی، اسرائیل و... بارها و بارها دارای مواضع و منافع مشترکی با این جبهه سیاسی در موضوعات مختلف بوده‌اند. به عنوان مثال، در جریان فتنه ۸۸، نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با صراحت اعلام کرد که «اصلاح‌طلبان بزرگترین سرمایه اسرائیل در ایران هستند» و شیمون پرز، رئیس‌جمهور این رژیم ضدانسانی نیز اظهار داشت: «اصلاح‌طلبان به نمایندگی از اسرائیل با رژیم اسلامی ایران می‌جنگند.» سران اصلاحات اما هرگز از سخنان این دو برائت نجستند!

وارث شهید بهشتی! رفیق حاج قاسم! همراز شهید مطهری!

عدم تمایل اصلاح‌طلبان به مرزبندی با دشمن اما ریشه در کجا دارد و به چه دلیل انجام می‌شود؟ اصلاح‌طلبان علاوه‌بر این، تمایل زیادی دارند تا همزمان، خود را پیرو خط امام(ره)، وارث شهید بهشتی، رفیق حاج قاسم، همراز شهید مطهری و... معرفی کنند. در تمام این روایت‌ها هم دقت دارند تا ابعادی از این شخصیت‌ها را برجسته کنند که خودشان دوست دارند. یک گمانه آشنا در پاسخ به چرایی مرزبندی نکردن جبهه اصلاحات با دشمن اما این است که اصلاح‌طلبان اساسا هویت دقیق و مرزبندی شده‌ای ندارند تا بخواهند با کسی مرزبندی کنند و مواضع آنها در مقاطع مختلف، تابع منافع حزبی آنهاست تا مرزهای هویتی آنان. منافع هم هر لحظه ممکن است در یک‌جا تامین شود، لذا چرا مثلا باید با اسرائیل یا آمریکا مرزبندی مشخصی کرد؟ بر همین اساس، آنها ابایی از این ندارند تا شهادت معاون شهید سلیمانی در پرونده سوریه را با تیتر «حسین همدانی در سوریه کشته شد» در روزنامه‌شان بدرقه کنند ولی یکباره برای تشییع میلیونی حاج قاسم و به تبع فضای ایجاد شده در آن روزها، یکسره سیاه‌پوش شوند!

بی‌اعتنایی به منافع ثابت و پایدار

چندی بعد هم ابدا از این نمی‌ترسند که پس از اهانت آشکار رفیق‌شان به سردار سلیمانی در آن فایل صوتی کذایی، فورا پشت ظریف دربیایند و باز مقابل حاج قاسم صف‌آرایی کنند! خوب یا بد اما این ویژگی نفاق است که به منافع ثابت و پایدار اعتقادی ندارد و در هوس منافع جدید هر روز رنگ عوض می‌کند. مرزبندی نداشتن اصلاح‌طلبان با دشمن طی این سال‌ها اما خسارات فراوانی به کشور وارد کرده است. مثلا آنها طی چند سال اخیر مدام سعی کرده‌اند این گمانه را در افکار عمومی جا بیندازند که اساسا آمریکا دشمن نیست و مرگ بر آمریکا هم حتی شعار مفتی است. آنها تمام هشت

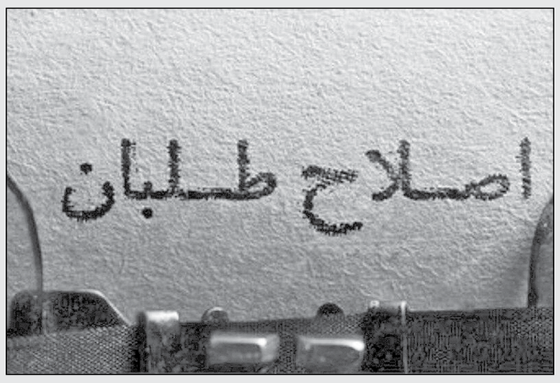

سال گذشته، به دروغ، برقراری رابطه با آمریکا را مساوی ایجاد آنچنان رونق اقتصادی جا زدند و نتیجه شد آنچه شد. اصلاح‌طلبان البته همزمان با تمایل به فالوده خوردن با دشمن، رزق روزانه‌شان، حمله به خودی‌ها و ارکان مختلف کشور است.

به عنوان مثال، طی سال‌های اخیر در سایه جنگ روانی حسن روحانی و همفکرانش، موضوع برگزاری رزمایش‌های نظامی کشور به ابزار دوقطبی شدن ملت بدل شده بود. روحانی در این گمانه دروغین می‌دمید که برگزاری رزمایش‌ها با هدف ضربه زدن به مذاکرات انجام می‌شود و مخل کار دیپلمات‌های ماست! این در حالی است که برگزاری بزرگترین رزمایش‌های سال‌های اخیر در همین چند ماه نخست روی کار آمدن دولت جدید و همزمان با مذاکرات، اساسا بنای چنین دروغ‌های شاخداری را بر باد داد. چنانکه پیش از این در مورد نحوه برخورد این جریان سیاسی با مسئله فعالیت‌های منطقه‌ای کشور و حاج قاسم ذکر شد، جریان سیاسی مذکور در سوءاستفاده از شخصیت‌های بزرگ و مصادره کردن آنها به نفع اهداف خود نیز اشتهای وافری دارد. مانور دادن بر بعضی نظرات شهید بهشتی در همین راستا، دستور کار رسانه‌های اصلاح‌طلب طی سال‌های اخیر بوده است.

بهتر البته این است که اصلاح‌طلبان به سخنانی از شهید بهشتی گوش فرا دهند که کجی‌های آنها را راست می‌کند نه اینکه پازل سوءاستفاده آنها از آن شهید عزیز را تکمیل می‌کند. در همین زمینه سخن معروفی از شهید بهشتی قابل طرح است که می‌فرماید «هر کسی که خط دارد، دشمن دارد!» لذا اصلاح‌طلبان اگر می‌خواهند خود را وارث شهید بهشتی معرفی کنند، بهتر است ابتدائا لیستی از دشمنان ملت ایران که خط مشخصی دارند، ارائه کنند! واقعیت این است که شهید بهشتی به شدت به مرزبندی با دشمن حساس بود و اساسا صنمی با نوع سیاست‌ورزی کنونی جبهه اصلاحات نداشت.

مرزبندی صحیح و صریح با جبهه دشمن

رهبر فرزانه انقلاب در همین زمینه می‌فرمایند: «وظیفه‌ای که همیشه باید مورد نظرمان باشد بخصوص امروز، وظیفه مرزبندی صحیح و صریح با جبهه دشمن است؛ مرزبندی کسانی که سعی می‌کنند این مرز را کمرنگ کنند یا محو کنند یا از بین ببرند، اینها خدمت نمی‌کنند به مردم، اینها خدمت نمی‌کنند به کشور؛ چه مرزهای دینی و عقیدتی، چه مرزهای سیاسی. استقلال، مرزی است برای کشور؛ این کسانی که سعی می‌کنند اهمیت استقلال یک ملت را- به‌عنوان جهانی شدن و حل شدن و منطبق شدن با جامعه جهانی- از بین ببرند و کمرنگ کنند، مقاله می‌نویسند، حرف می‌زنند، اینها هیچ خدمتی نمی‌کنند به این کشور... همان‌ها که صف‌بندی با بیگانه دشمنِ بداندیش بدخواه را برنمی‌تابند، در مقابل یک عنصر ایرانیِ مؤمنِ خودیِ علاقه‌مند به مصالح کشور و به آینده کشور، اما از لحاظ سیاسی دارای مذاقی متفاوت، منش و روش «خودی و غیرخودی» را اعمال می‌کنند!»

اصلاح‌طلبان اما نه دوست دارند دست از سر دکتر شریعتی بردارند نه مایلند در صورت نیاز، از شهید بهشتی، حاج قاسم، شهید مطهری، شخص امام(ره)، رهبری و شما بگو حتی حافظ شیرازی برای تحقق اهداف خود استفاده نکنند. مجموعه این افراد و شخصیت‌ها بسته به موقعیت‌های مختلف، ممکن است مورد تمجید یا تخریب اصلاح‌طلبان قرار گیرند، چون اصلاح‌طلبان نه هویت مشخصی دارند نه دشمنان مشخص!

این نگاه اصلاح‌طلبان (نفی دشمنی) در حالی است که آموزه‌های دینی در آیات قرآن و روایات معصومین مشحون از تنبه دادن به دشمن و دشمنی اهل باطل در برابر خدا و مومنین است (و اعدوا لهم مااستطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم) (سوره مبارکه الأنفال آیه ۶۰)

الّذینَ آمَنوا یُقاتِلونَ فی سَبیلِ الله وَالّذینَ کَفَروا یُقاتِلونَ فی سَبیلِ الطّاغوتِ فَقاتِلوا أَولیاءَ الشّیطانِ إنّ کَیدَ الشّیطانِ کانَ ضَعیفًا (سوره مبارکه النساء آیه ۷۶)

إنّ الّذینَ کَفَروا یُنفقونَ أَموالَهُم لِیَصُدّوا عَن سَبیلِ اللهِ(سوره مبارکه الأنفال آیه ۳۶)

مُحَمّدٌ رَسولُ اللهِ وَالّذینَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَی الکُفّارِ رُحَماءُ بَینَهُم(سوره مبارکه الفتح آیه ۲۹)